

بررسی اصل محافظه کاری و جایگاه آن در گزارشگری مالی

دکتر حمیدرضا شماخی

رضا زاهدی

چکیده:

محافظه کاری حسابداری، یکی از خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات مالی است که به معنای کاربرد درجه ای از مراقبت در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام می باشد، به گونه ای که درآمدها یا دارایی ها بیشتر از واقع و هزینه ها یا بدهی ها کم تر از واقع ارائه نشود. به عبارت دیگر محافظه کاری حسابداری را می توان به عنوان گرایش حسابداری به بکارگیری درجه بالاتری از تائیدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد تعریف کرد. محافظه کاری حسابداری که به مشروط و نامشروط تقسیم می شود، منجر به نتایجی همچون بهبود کیفیت گزارشگری مالی، بازشناختن اهمیت تائیدپذیری و نقش تائیدپذیری نامتقارن در رفع برخی مشکلات و نیز کاهش احتمال بیش نمایی سود و پرداخت سود سهام تصفیه می شود.

در مقاله حاضر تلاش خواهد شد ابتدا ضمن ارائه تعریفی از محافظه کاری حسابداری، به مهم ترین شاخص های این مفهوم و اثرات آن در گزارشگری مالی پرداخته و در انتها نیز نقدها و کاستی های این رویکرد بیان شود.

کلیدواژه ها: گزارشگری مالی، محافظه کاری حسابداری، محافظه کاری مشروط و نامشروط

- بیان مساله تحقیق:

مفهوم محافظه کاری (Conservatism)، یکی از قراردادهای مهم در گزارشگری مالی محسوب می شود که باعث کاربرد احتیاط در تشخیص و سنجش درآمدها و دارایی ها می گردد. محافظه کاری واکنشی است احتیاطی که در شرایط نبود اطمینان به کار گرفته می شود و می کوشد نشان دهد که نبود اطمینان و ریسک ذاتی در وضعیت شرکت، به قدر کافی مطرح شده است (Givoly & Hayn, 2000).

محافظه کاری، یکی از مشخصه های اصلی گزارشگری مالی است که در طول یک دوره طولانی در تئوری حسابداری مورد بحث و بررسی قرار گرفته و نقش آفرینی می کند. محافظه کاری می تواند به عنوان گرایش حسابداری به الزام درجه بالاتری از تائیدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با میزان تائیدپذیری لازم برای شناسایی اخبار بد در حیطه انعطاف پذیری اصول پذیرفته شده حسابداری تعریف شود (باسو 1997، واتس 2003 و بیور و رایان 2005). نتیجه این رفتار منجر به کمتر نشان دادن سود و یا بیشتر نشان دادن هزینه ها و در نهایت کمتر گزارش کردن داراییها و بیشتر نشان دادن بدهیها خواهد بود.

محافظه کاری به عوامل متعدد از جمله؛ وجود قرارداد بین واحد تجاری و سایر ذی نفعان، احتمال شکل گیری دعاوی حقوقی، تلاش برای کاهش یا به تعویق انداختن مالیات، حفظ منافع عموم جامعه، افزایش کیفیت اطلاعات مالی، کاهش هزینه های سیاسی، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و سطح رقابت بستگی دارد. معیارهای اندازه گیری متنوع هستند اما مهمترین آنها مدل ارائه شده توسط باسو (1997) می باشد. فشارهای رقابتی منجر به افزایش سطح محافظه کاری خواهد شد. بدین معنی که شرکتها و فعالین بازار به منظور جلوگیری از ورود رقبای جدید به صنعت و همچنین جلوگیری از انتشار اطلاعات محرمانه به رقبای موجود در گزارشگری مالی محافظه کاری را در پیش خواهند گرفت (داروغ و استاغتون 1990 و کلینچ و ورکچیلیا¹ 1997). در واقع اتخاذ روکرد محافظه کارانه این مزیت را دارد که جلوی ورود رقبای جدید به صنعت را گرفته و مانع از انتشار اطلاعات محرمانه به رقبای موجود می -

¹ Clinch, Verrecchia.

شود. ولی، در صورت اتخاذ این رویکرد (محافظه کاری) انتظارات از عملکرد آتی شرکت را پایین نگه داشته می-شود. و در نتیجه نرخ بازده مورد انتظار ذی‌نفعان پایین‌تر از واقعیت خواهد بود. در این صورت با کاهش سطح محافظه کاری می‌توان داد و ستد اوراق بهادار شرکت را رونق بخشید.

با توجه به اینکه هدف مدیریت مالی حداکثر کردن ثروت سهامداران می‌باشد این سوال اساسی مطرح می‌شود که ثروت ذی‌نفعان با گزارشگری مالی محافظه‌کارانه حداکثر می‌شود یا گزارشگری متهورانه؟ صنایعی که با تهدیدات رقابتی رو به رو هستند به منظور جلوگیری از افزایش رقابت محافظه کاری را در پیش می‌گیرند و از این بابت ثروت سهامداران را بیشتر می‌کنند ولی عیب این حالت این است که گزارشگری مالی محافظه‌کارانه انتظارات بازار سرمایه از اوراق بهادار شرکت را پایین نگه می‌دارد و این کار باعث می‌شود ارزش بازار اوراق بهادار کمتر از ارزش ذاتی آنها باشد و این موضوع به نفع سرمایه‌گذاران نخواهد بود.

در تحقیق حاضر تلاش خواهیم کرد در ابتدا با ارائه تعریفی از مفهوم محافظه کاری، کارکردها و تاثیرات این اصل را در فرایند حسابرسی مالی مورد بررسی قرار داده و تا حد امکان به پرسش‌ها و مباحث مطرح شده در فوق پاسخ گوئیم.

- تعریف محافظه کاری:

در حسابداری، محافظه کاری مفهومی است که سابقه ای طولانی دارد. باسو (1997)، معتقد است که محافظه کاری طی قرن‌ها تئوری و عمل حسابداری را تحت تاثیر قرار داده است (به نقل از آزاد، 1388: 126). ثبت‌های تاریخی اوایل قرن پانزدهم میلادی درباره معاملات مشارکتی و تضامنی نشان می‌دهند که حسابداری در اروپای قرون وسطی محافظه‌کارانه بوده است. مفهوم محافظه کاری زمانی ایجاد شد که ترازنامه مهم‌ترین و اغلب تنها صورت مالی بود و اجزای سود یا سایر نتایج عملیات به ندرت در خارج از شرکتها ارائه می‌شد. اولین کاربرد صورت‌های مالی برای بانکداران و دیگر اعتباردهندگان بوده است. انگیزه آن‌ها از کاربرد محافظه کاری اطمینان از آن بوده که سرمایه‌گذاری‌شان به گونه‌ای مناسب حفظ خواهد شد. از این رو، کم‌نمایی خالص‌داری‌ها مطلوب، و حتی شرافتمندانه بود؛ به این دلیل که باعث ایجاد حاشیه ایمنی برای وام‌ها می‌شد (هیات استانداردهای حسابداری

مالی، 1980، ص 36). استرلینگ (1970) محافظه کاری را موثرترین اصل ارزشیابی در حسابداری می داند (به نقل از آزاد، 1388: 126).

اما محافظه کاری دقیقاً به چه معناست؟ گستردگی مباحث و تعریفی که درباره این مفهوم وجود دارد، نشان می دهد محققان هنوز نتوانسته اند درباره این اصل مهم به توافق و دیدگاه واحدی دست یابند. نبود یک تعریف منسجم از اصل محافظه کاری که مورد تایید و پذیرش همگان باشد، حاکی از همین مساله است. مثلاً واتر (Watts) از چهار تعبیر برای توضیح محافظه کاری استفاده می کند (Watts, 2003). این چهار تعبیر عبارتند از قرارداد (قرارداد بدهی، قرارداد مدیریتی و حاکمیت شرکت)، دعوی قضایی سهامداران، قوانین حسابداری و مالیات. در واقع واتر، محافظه کاری را سازوکاری موثر در قراردادهای بین شرکت و اعتبار دهندگان و سهامداران می داند که از اعتبار دهندگان و سهامداران در مقابل فرصت طلبی های مدیریت محافظت می کند. علاوه بر این، محافظه کاری ممکن است پوشش مناسبی برای جلوگیری از مطرح شدن دعوی قضایی علیه شرکت شود که این امر می تواند هم باعث کاهش ریسک مطرح شدن دعوی قضایی و هم باعث کاهش هزینه های مرتبط با این گونه دعاوی شود (Ibid).

اما علی رغم فقدان تعریف جامعی از محافظه کاری، در ادبیات حسابداری، دو ویژگی مهم محافظه کاری مورد بررسی قرار گرفته است. نخست، وجود جانبداری در ارائه ی کمتر از واقع ارزش دفتری نسبت به ارزش بازار آن که توسط اهلسون² (1995) عنوان شده است. دوم، تمایل به تسریع در شناسایی زیانها و به تعویق انداختن شناسایی سودها که توسط باسو (1997) بیان شده است. واتس (2003) بیان کرد که محافظه کاری تاییدپذیری متفاوت مورد نیاز برای شناسایی سودها در مقابل زیانها می باشد. در بیانیه مفاهیم حسابداری شماره ی دو نیز برای تشریح محافظه کاری چنین آمده است: "...اگر دو برآورد از یک مبلغ دریافتنی یا پرداختنی آتی وجود داشته باشد و احتمال وقوع هر دو یکسان باشد؛ محافظه کاری استفاده از برآوردی را دیکته می کند که کم تر خوشبینانه است" (هیات استانداردهای حسابداری مالی، 1980).

- مهم ترین شاخص های محافظه کاری:

². Ohlssen and Folsom

باسو (1997) محافظه کاری را گرایش حسابداری به الزام درجه بالاتری از تائیدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با میزان تائیدپذیری لازم برای شناسایی اخبار بد تعریف کرده است. که این موضوع منجر به کم‌نمایی سود و در نتیجه دارایی‌ها می‌شود. کمیته فنی سازمان حسابرسی ایران (1386) بیان می‌کند که تهیه کنندگان صورت‌های مالی با ابهاماتی که به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر بر بسیاری از رویدادها و شرایط سایه افکنده است، برخورد می‌کنند. نمونه این ابهامات شامل قابلیت وصول مطالبات، عمر مفید احتمالی دارایی‌های ثابت و تعداد و میزان ادعاهای مربوط به ضمانت کالای فروش رفته می‌باشد. چنین مواردی با رعایت احتیاط در صورت‌های مالی و همراه با افشای ماهیت و میزان آنها بررسی می‌شود. «احتیاط عبارتست از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآوردهای حسابداری در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه‌ای که درآمدها یا داراییها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع نشان داده نشوند.» در واقع محافظه کاری را می‌توان محصول ابهام دانست. هرگاه حسابداران با ابهام روبرو شوند، محافظه کاری را به کار می‌برند. از نظر این کمیته، اعمال احتیاط نباید منجر به ایجاد اندوخته‌های پنهانی یا ذخایر غیر ضروری گردد یا داراییها و درآمدها را عمده‌تر از واقع و بدهی‌ها و هزینه‌ها را عمده‌تر از واقع نشان دهد، زیرا این امر موجب نقض بی‌طرفی می‌شود. از دیدگاه تهیه کنندگان صورت‌های مالی، محافظه-کاری کوششی است برای انتخاب روشی از روشهای پذیرفته شده‌ی حسابداری که به یکی از موارد زیر منتج شود (شباهنگ، 1387، ص 54):

- شناخت کندتر درآمدها،
- شناخت سریعتر هزینه‌ها،
- ارزشیابی کمتر دارایی‌ها و
- ارزشیابی بیشتر بدهی‌ها.

در تعریف‌های بالا، یک نقطه مشترک وجود دارد که همان اشاره به تأثیرگذاری محافظه کاری بر فرآیند تصمیم‌گیری استفاده کنندگان صورت‌های مالی است. به طور کلی، هدف محافظه کاری جلوگیری از تصمیم‌گیری‌های نادرست از سوی سرمایه‌گذاران و سایر استفاده کنندگان از صورت‌های مالی است. از دیدگاه تئوری نمایندگی که حقوق و مزایای مدیران را به سود گزارش شده مرتبط می‌داند، مدیران انگیزه‌های قوی برای پنهان کردن اخبار بدی

که موجب کم شدن سود می شود دارند. بنابراین، می توان محافظه کاری را سازوکاری برای کنترل انگیزه های مدیران به منظور گزینش بیش از واقع سود تلقی کرد (شوروزی و خاندوزی، 1387).

با وجود انتقادهایی که بر محافظه کاری شده است، محافظه کاری در حسابداری برای قرن ها دوام پیدا کرده است و به نظر می رسد در 30 سال گذشته نیز افزایش پیدا کرده است واتس (2003). محافظه کاری در گزارش گری مالی مزایایی دارد که که شاید از دیدگاه منتقدان پنهان مانده است این مزایا را می توان در قسمت بعدی (دیدگاه های محافظه کاری) خلاصه کرد.

- انواع محافظه کاری:

تقاضا برای محافظه کاری از منابع مختلف صورت می گیرد بر اساس یافته های باسو (1997) بدهکاران و سایر اعتبار دهندگان خواستار ارائه اطلاعات به موقع تر در رابطه با اخبار بد در مقایسه با اخبار خوب هستند. بال و همکاران³ (2000) بیان می نمایند که محافظه کاری سود و زیانی، متفاوت از محافظه کاری ترازنامه ای است. جانبداری در ارائه کمتر از واقع ارزش دفتری سهام نسبت به ارزش بازار سهام معرف محافظه کاری از دیدگاه ترازنامه ای است و معیار نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری سهام نیز برگرفته از همین تعریف است که بر پایه مبانی منطقی و ساده ای بنا نهاده شده است و در ادبیات حسابداری از سطح پذیرش عمومی بر خوردار شده است. اما تمایل به تسریع بخشیدن در شناسایی زیان ها و به تعویق انداختن شناسایی سودها معرف محافظه کاری از دیدگاه سود و زیانی است و بر همین اساس باسو در سال 1997 میلادی معیار عدم تقارن زمانی سود را مطرح کرد.

1- محافظه کاری نامشروط:

³ Ball et al

در تحقیقات اخیر، محافظه کاری را به دو نوع تقسیم کرده اند: نوع اول محافظه کاری پیش‌رویدادی⁴ است که محافظه کاری مستقل از اخبار است و محافظه کاری نامشروط نیز نامیده می‌شود. این نوع محافظه کاری بیشتر بر روی ترانزنامه اثر گذار بوده و از بکارگیری آن دسته از استانداردهای حسابداری ناشی می‌شود که سود را مستقل از اخبار اقتصادی جاری، کاهش می‌دهند. برای مثال، شناسایی بدون درنگ مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه، حتی در صورتی که جریان‌های نقدی مورد انتظار آنها مثبت باشد، از این نوع است. نمونه دیگر مربوط به نحوه مستهلک کردن دارایی‌ها می‌باشد. ایسه (2002) بیان می‌کند که شتاب استهلاک دفتری دارایی‌ها بیشتر از شتاب استهلاک اقتصادی آنها است.

2- محافظه کاری مشروط:

نوع دیگری از محافظه کاری، محافظه کاری پس‌رویدادی⁵ است که محافظه کاری وابسته به اخبار، محافظه کاری مشروط و عدم تقارن زمانی سود نیز خوانده می‌شود. این نوع محافظه کاری بیشتر بر روی صورت سود و زیان اثر گذار است. بر اساس این نوع محافظه کاری در اثر اخبار ناخوشایند ارزش دفتری دارایی‌ها کاهش پیدا می‌کند در حالی برای افزایش ارزش دارایی‌ها به اخبار خوشایندی با قابلیت تایید بسیار بیشتر نیاز است. تعریف ارائه شده توسط باسو (1997) که محافظه کاری را به عنوان تأیید پذیری متفاوت برای شناسایی درآمدها و هزینه‌ها در نظر می‌گیرد، بیانگر محافظه کاری مشروط است. این نوع محافظه کاری به مفهوم شناسایی بموقع‌تر اخبار بد نسبت به اخبار خوب در رابطه با سود است. برای مثال شناسایی زیان‌های برآوردی در پیمان‌کاری و عدم شناسایی سود حتی در صورت محتمل بودن ورود منافع اقتصادی به درون واحد تجاری، قاعده‌ی اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش، حذف سرفلی در نتیجه انجام آزمون کاهش ارزش، و شناسایی نامتقارن زیان‌های احتمالی در مقابل سودهای احتمالی از این نوع محافظه کاری هستند. رایان (2006) مفهوم محافظه کاری مشروط را به این صورت بیان می‌کند که اخبار خوب (اطلاعاتی که گویای افزایش سودهای آتی باشند) دیرتر از اخبار بد (اطلاعاتی که گویای کاهش سودهای آتی باشند) در صورت‌های مالی شناسایی می‌شوند. به طور کلی، اصول حسابداری شناسایی کاهش (یا اخبار بد) موجودی کالا، سرفلی و زیان‌های احتمالی و درآمد پیمانکاری را ایجاب می‌کند؛ اما شناسایی افزایش

⁴ Ex ante

⁵ Ex post

ناشی از اخبار خوب را منع می‌کند (پای، درنتون و والکر⁶، 2005). این نوع محافظه کاری بیشتر برای جلوگیری از بزرگ‌نمایی سود توسط مدیران اتخاذ می‌شود و مانع بیشتر گزارش شدن سودها در شرایط نامساعد خواهد شد. مهمترین دلیل برای محافظه کاری مشروط رویه کاملاً متفاوت در اصلاح ارزش برآوردی دارایی‌ها است.

انگیزه اصلی برای محافظه کاری نامشروط، سختی ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌هاست. در حالی که انگیزه اصلی برای محافظه کاری مشروط، خنثی کردن انگیزه‌های مدیران برای گزارشگری اطلاعات حسابداریِ جانبدارانه می‌باشد. انگیزه‌های مشابهی نیز برای این دو نوع محافظه کاری وجود دارد. برای مثال، تابع نامتقارن زیان سرمایه‌گذاری باعث می‌شود اثر منفی که آنها از سود کسب می‌کنند کمتر از آسیب‌هایی باشد که از زیانی با اهمیت مشابه می‌بینند (بیور و رایان⁷، 2004).

- اندازه‌گیری محافظه کاری:

همان‌طور که در بالا اشاره شد محافظه کاری از ویژگی‌های عمده اطلاعات مالی برای ارائه مفیدتر اطلاعات مالی می‌باشد. اما برای این گونه ویژگی‌های کیفی معیار دقیقی جهت اندازه‌گیری ارائه نشده است. چهار معیار شناخته شده برای اندازه‌گیری محافظه کاری عبارتند از:

1- معیار عدم تقارن زمانی در شناسایی سود و زیان

باسو (1997) محافظه کاری تاییدپذیری متفاوت لازم برای شناسایی درآمدها و هزینه‌ها بیان کرد که منجر به کم‌نمایی سود و دارایی‌ها می‌شود. مدلی که او به کار برد دارای دو متغیر اصلی است. این متغیرها شامل بازده حسابداری (نسبت سود قبل از ارقام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره) و بازده سهام می‌باشد.

باسو (1997) بیان می‌کند که بازده حسابداری (نسبت سود قبل از ارقام غیر مترقبه به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام در ابتدای دوره) و بازدهی بازار، هر دو معیاری برای اندازه‌گیری تغییرات ایجاد شده در ثروت سهامداران هستند. به

⁶.Pae, Thornton and Walker

⁷.Beaver and Ryan

دلیل وجود محافظه کاری مشروط اخبار بد زودتر از اخبار خوب در بازده حسابداری منعکس می‌شوند، اما به دلیل متنوع بودن منابع اطلاعاتی بازار، تا حدودی هر دو نوع اخبار خوب و بد در بازدهی بازار منعکس می‌شوند. او در ادامه اظهار می‌کند که با اندازه گیری تفاوت پاسخ سود نسبت به اخبار خوب و بد می‌توان محافظه کاری مشروط را اندازه گیری کرد. باسودر سال 1997 مدل رگرسیونی خود را به صورت ارائه کرد.

$$EARN_t = \alpha_0 + \beta_0 * DUM_{it} + \beta_1 * RET_{it} + \beta_2 * (DUM_{it} * RET_{it}) + \varepsilon$$

در این مدل i و t بیانگر شرکت i ام در دوره زمانی t و $EARN$ ، بیانگر بازدهی حسابداری می‌باشد. RET ، حاصل بازدهی سرمایه و بازدهی سود ناشی از خرید و نگهداری اوراق سهام، و DUM ، متغیر مصنوعی می‌باشد که در صورتی که بازدهی مثبت باشد برابر صفر و برای بازده‌های منفی برابر یک خواهد بود. در رابطه‌ی رگرسیونی ذکر شده β_1 پاسخ سود را نسبت به بازده‌های مثبت اندازه گیری می‌کند. $\beta_1 + \beta_2$ پاسخ سود را نسبت به بازده‌های منفی اندازه گیری می‌کنند. در صورتی که $\beta_1 + \beta_2$ بزرگتر از β_1 باشد یعنی $\beta_2 > 0$ ، در این صورت محافظه کاری وجود دارد. زیرا در این صورت پاسخ سود نسبت به اخبار بد (بازدهی منفی) بهتر پاسخ سود به اخبار خوب (بازدهی مثبت) می‌باشد. باسو ضریب β_2 را معیار عدم تقارن زمانی سود نامید. باسو (2005) بیان می‌کند که تعریف و مدل ارائه شده وی در سال 1997 محافظه کاری مشروط را اندازه گیری می‌کند.

2- معیار محافظه کاری مبتنی بر ارزش‌های بازار:

بیون و رایان⁸ (2000) مدلی را برای اندازه گیری محافظه کاری با استفاده از تفاوت بین ارزش بازار و ارزش دفتری خالص دارایی‌ها ارائه کردند. از منظر آنان، اختلاف ارزش بازار و ارزش دفتری را می‌توان به دو بخش دائمی و موقت تقسیم کرد. هر دو بخش به نوعی از اعمال محافظه کاری سرچشمه می‌گیرند. بخش دائمی، ناشی از اعمال رویه‌های محافظه کارانه برای اندازه گیری و شناخت اولیه ارقام در صورت‌های مالی است. به سبب وجود این رویه‌ها - های محافظه کارانه، ارزش‌های دفتری همواره کمتر از ارزش‌های بازار هستند. از جمله این رویه‌ها می‌توان به شناسایی مخارج تحقیق و توسعه به عنوان هزینه و نه دارایی اشاره کرد (محافظه کاری نامشروط). در حالی که بازار به منافع آینده این گونه مخارج ارزش‌هایی را اختصاص می‌دهد، ترازنامه واحد تجاری به انعکاس آنها نمی‌پردازد.

⁸.Beaver and Ryan

بخش موقت نیز ناشی از برخورد های محافظه کارانه در دوره های پس از شناخت اولیه ارقام دارایی و بدهی است. در دوره های مزبور، با در دسترس قرار گرفتن اطلاعات جدید، زیان ها و کاهش ارزش ها به سرعت شناسایی می شود، ولی افزایش ارزش ها منعکس نمی شود. در واقع، شناسایی افزایش ارزش خالص دارایی ها به آینده موکول می شود. بدین ترتیب و تا زمانی که شواهد قابل اتکایی از افزایش ارزش خالص دارایی ها فراهم شود، ارزش دفتری خالص دارایی ها از ارزش بازار آنها کمتر خواهد بود (محافظه کاری مشروط). با در دسترس قرار گرفتن شواهد مزبور و انعکاس افزایش ارزش در مبالغ دفتری، اختلاف بین ارزش های بازار و ارزش های دفتری به کمترین مقدار ممکن خواهد رسید. بنابراین، نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری خالص دارایی ها هر دو نوع محافظه کاری (مشروط و نامشروط) را در بر می گیرد.

3- معیارهای محافظه کاری مبتنی بر ارقام تعهدی:

گیولی و هاین⁹ (2000) به بررسی سیر تاریخی محافظه کاری پرداختند تا به این سؤال پاسخ دهند که آیا گزارشگری مالی محافظه کارانه تر شده است یا نه؟ آنها یک دوره 50 ساله یعنی فاصله زمانی 1950 تا 2000 میلادی را بررسی کردند و با بکارگیری چند معیار برای محافظه کاری دریافته اند که در طول نیم قرن گذشته گزارش های حسابداری به شدت متأثر از رویه های محافظه کارانه بوده است. آنها با تکیه بر یک تعریف خاص، ارقام تعهدی غیر عملیاتی را برای اندازه گیری محافظه کاری به کار بردند. بنا به تعریف مذکور، محافظه کاری زمانی در شناسایی و گزارش رویدادهای مالی اعمال می شود که اولاً، مدیریت با ابهام و نبود اطمینان مواجه گردد و ناگزیر از انتخاب یک گزینه از بین دو یا چند گزینه باشد و ثانیاً، روشی انتخاب و اجرا شود که به کمترین مقدار ممکن برای سود انباشته بیانجامد. آنها به این دلیل از ارقام تعهدی و غیر عملیاتی استفاده کردند که از یک سو حسابداری تعهدی مجرایی برای اعمال محافظه کاری است و از سوی دیگر، اعمال اختیار از جانب مدیران در شرایط نبود اطمینان، زمینه پیدایش محافظه کاری را فراهم می آورد. آنها برای محاسبه جمع ارقام تعهدی و ارقام غیر عملیاتی از مدل زیر استفاده کردند.

$$ACC_{it} = (NI_{it} + DEP_{it}) - CFO_{it}$$

⁹ Givoly and Hayn

$$OACC_{it} = \Delta(AR_{it} + I_{it} + PE_{it}) - \Delta(AP_{it} + TP_{it})$$

$$NOACC_{it} = ACC_{it} - OACC_{it}$$

در معادلات بالا ACC، جمع اقلام تعهدی؛ NI، سود قبل از اقلام غیر مترقبه؛ DEP، هزینه های استهلاک؛ OACC، اقلام تعهدی عملیاتی؛ AR، حساب های دریافتی؛ I، موجودی مواد و کالا؛ PE، پیش پرداخت هزینه ها؛ AP، حساب های پرداختی؛ TP، مالیات های پرداختی؛ NOACC، اقلام تعهدی غیر عملیاتی و CFO، جریان های نقدی عملیاتی می باشند.

اقلام تعهدی غیر عملیاتی شامل مقادیری است که از برآوردها و قضاوت های مدیریت ناشی می شود. برای مثال، می توان به ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، افزایش هزینه ها که ناشی از تغییر در برآوردهاست، سود و زیان فروش داراییها، زیان کاهش ارزش موجودی ها و داراییهای ثابت و اقلام انتقالی به دوره های آتی اشاره کرد. یافته های گیولی و هاین (2000) حاکی از آن بود که با گذشت هر سال، اقلام تعهدی غیر عملیاتی نسبت به سال قبل به صورت معنا داری ترک کوچک تر شده اند. بر این اساس، آنها نتیجه گرفتند که با گذشت زمان، محافظه کاری بیشتر شده است. این به این معناست که در طول زمان، مدیران روش هایی را انتخاب می کنند که به حداقل شدن سود انباشته منجر شده است.

4- معیار چولگی منفی توزیع سود و جریانهای نقدی:

یکی دیگر از شاخص های معرفی شده توسط گیولی و هاین (2000) چولگی منفی توزیع سود و جریانهای نقدی است. آنها اظهار داشتند که باید جمع کل جریانات نقدی در تمام عمر شرکت با کل سودها در تمام عمر شرکت برابر باشد. اختلاف بین خالص جریانات نقدی و سود خالص اقلام تعهدی می باشند. لذا، انتظار می رود در صورتی که در دوره ای خالص اقلام تعهدی منفی باشند، دوره پس از چنین دوره هایی دوره خالص اقلام تعهدی بایستی مثبت باشد. و بنابراین نتیجه می گیرند در صورت وجود دوره های متوالی طولانی با خالص اقلام تعهدی منفی رویکرد محافظه کاری در گزارش های مالی در پیش گرفته شده است. آنان با توجه به اینکه حسابداری تعهدی مجرای برای اعمال محافظه کاری فراهم می سازد، استدلال می کنند که توزیع سود به عنوان یک متغیر تصادفی، باید نسبت به توزیع جریانهای نقدی چولگی بیشتری داشته باشد. آنها سود و جریان های نقدی هر سال را بر جمع دارایی ها تقسیم کرده و توزیع این دو متغیر تصادفی را برای شرکت های مشخص در یک مقطع زمانی و نیز برای

یک شرکت در چند دوره زمانی بررسی کردند. بررسی آنها نشان داد که توزیع سود، چولگی منفی تری نسبت به توزیع جریانهای نقدی دارد. دلیل این امر از منظر گیولی و هاین (2000)، آن است که سود حسابداری به انعکاس اخبار خوشایند و افزایش ارزش داراییها نمی‌پردازد، ولی زیانها را از طریق ارقام تعهدی به سرعت شناسایی می‌کند. شناسایی این زیانها، همچون زیان کاهش ارزش موجودیها، تأثیری بر وجه نقد حاصل از عملیات ندارد و همین امر سبب می‌شود تا توزیع سود نسبت به توزیع جریانهای نقدی عملیاتی، چولگی منفی تری داشته باشد.

- عوامل موثر بر محافظه کاری:

تحقیقات متعددی عوامل وجود محافظه کاری در گزارشهای مالی را مورد بررسی قرار دادند. همانطور که بیان شد، واتس (2003) این عوامل را در چهار مورد خلاصه می‌کند که شامل؛ وجود قراردادهای گوناگون بین واحد تجاری و ذی‌نفعان برون سازمانی، احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه واحد تجاری، کاهش یا به تعویق انداختن مالیات پرداختنی و خنثی کردن تمایل ذاتی مدیران جهت ارائه گزارشهای اغراق آمیز. گوی و وریکچیلیا (2007) و لافوند و واتس (2008) بیان کردند که محافظه کاری عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سایر ذی‌نفعان برون سازمانی واحد تجاری را کاهش می‌دهد. زیمرمن (1983) و کردلر و شهریاری (1388) اظهار می‌کنند که شرکتهای بزرگ در تلاش برای کاستن از هزینه‌های سیاسی، در ارائه گزارشهای مالی، محافظه کارانه عمل می‌کنند. در مقابل ایتردیز (2011) بیان می‌کند، به دلیل بالا بودن مشکل نمایندگی در شرکتهای کوچک و تازه تاسیس، محافظه کاری در این نوع شرکتهای بیشتر از شرکتهای بزرگ است. یافته‌های کمیته مطالعاتی اراسموس (2010) گویای این است که بالا بودن اهرم و در نتیجه وجود کشمکش بین بستانکاران و سهامداران مخصوصاً در حوزه سیاستهای تقسیم سود، عاملی دیگر برای اتخاذ رویکرد محافظه کارانه است. تحقیقات زیادی مانند داروغ و استاگتون (1990)، داروغ (1990)، کارونا (2007 و 2008)، دهالیوال و همکاران (2008) و فلسام (2009)، بالا بودن تهدیدات رقابتی را از عوامل مهم اتخاذ رویکرد محافظه کارانه بیان کردند. و نهایتاً مفاهیم نظری گزارشگری مالی ایران (1386) از محافظه کاری به عنوان اصل احتیاط یاد کرده و آن را از خصوصیات کیفی اطلاعات مالی می‌داند. هدف اصلی این پژوهش بررسی تاثیر ساختارهای رقابتی بر روی محافظه کاری مشروط حسابداری است.

- نقد اصل محافظه کاری:

تاکنون انتقاداتی توسط گروههایی مانند فعالان بازار سرمایه، استاندارد گذاران و محققان آکادمیک از محافظه کاری صورت گرفته است. یکی از این انتقادات مربوط به رفتار نامتناسب در خصوص شناسایی عایدات و زیانها می باشد. دلیل انتقاد این گروهها این است که اگر در دوره جاری سودهایی به دلیل بکارگیری محافظه کاری حسابداری در اثر کمتر شناسایی کردن خالص دارایی ها ایجاد شود، در دوره آتی سودهایی شناسایی خواهد شد که ارتباطی به آن دوره ندارد (watts, 2003)

خلاصه ای از سایر انتقاداتی که برای محافظه کاری صورت گرفته به شرح زیر می باشد.

نااعتمادی : گستره ی محافظه کاری در صورت های مالی به خط مشی واحد تجاری مربوط می شود. این گستره می تواند وسیع یا کوچک باشد. برای مثال، هزینه های غیر عملیاتی پیش بینی شده را می توان ثبت کرد یا نکرد، زیرا همواره می توان در انتظارات تجدیدنظر کرد. به طور نمونه، چنانچه واحد تجاری تجزیه و تحلیل خوشبینانه تر را ترجیح دهد، می توان هزینه های غیر عملیاتی پیش بینی شده ناشی از دعاوی حقوقی را مردود دانست.

پنهان کاری: اگر چه همه می دانند که روش های حسابداری محافظه کارانه هستند اما سرمایه گذاران مشکل می توانند مبلغی را که دارایی ها کم بیان شده اند، تعیین کنند. محافظه کاری سرمایه گذاران متوسط را در وضعیت نامساعد قرار می دهد و فرصت های ممتاز را در اختیار درون سازمانی ها می گذارد.

نفی اصول حسابداری : استرلینگ می گوید، هر گاه محافظه کاری با یک اصل حسابداری تضاد داشته باشد به آن چیره می شود. به عنوان مثال، اصل بهای تمام شده تاریخی (در مقابل اقل بهای تمام شده یا بازار)، شناخت درآمد بر مبنای فروش (در مقابل مبنای اقساطی شناخت درآمد) اصل تطابق (در مقابل به هزینه منظور کردن مخارج تحقیق و توسعه) اصل ثبات رویه (در مقابل تغییر از بهای تمام شده به قاعده اقل بهای تمام شده یا قیمت بازار) اصل افشا (در مقابل کمتر از واقع بیان کردن ارزش داراییها)

سوگیری : محافظه کاری به جای ارزیابی واقع گرایانه، موجب سوگیری منظمی در گزارش های مالی می شود. در نتیجه همچنان که هیأت استانداردهای حسابداری مالی اشاره می کند، «محافظه کاری با ویژگی های کیفی مهم، از قبیل بیان صادقانه، بی طرفی و قابل مقایسه بودن (شامل ثبات رویه) تضاد دارد» در مورد مفید بودن داده های حسابداری مبتنی بر خط مشی های محافظه کارانه می توان سؤالاتی جدید و مشروع مطرح کرد. انجمن حسابداری

امریکا (AAA) استدلال می‌کند: «تصور نمی‌شود که سوگیری بتواند نیازهای مجموعه‌ای از استفاده‌کنندگان را برآورده کند، به منافع سایرین کمک کند یا حتی به آن صدمه نزند».

امر ذهنی: محافظه‌کاری آن قدر در حسابداری مستحکم شده که بیشتر نوعی نگرش حسابداران، یا امری ذهنی، است تا اینکه سازوکاری برای پاسخگویی به ابهام باشد. احتمالاً چنانچه تردید جدی در مورد ارزشگذاری یک قلم وجود داشته باشد، محافظه‌کاری به بازی گرفته می‌شود، اما این تمام موضوع نیست، محافظه‌کاری نگرش حسابداران در مورد تمام جنبه‌های حسابداری است.

- نتیجه‌گیری:

محافظه‌کاری، یک مفهوم مهم در حسابداری است که منجر به کاهش سود انباشته گزارش شده از طریق شناخت دیرتر درآمد و شناخت سریعتر هزینه، ارزیابی پایین‌داری و ارزیابی بالای بدهی می‌شود. محافظه‌کاری به طور سنتی با ضرب‌المثل «هیچ سودی شناسایی نکنید، اما همه زیان‌ها را شناسایی کنید» بیان شده است. با توجه به مباحثی که در تحقیق حاضر مطرح شد، می‌توان از یک منظر کلی، محافظه‌کاری حسابداری را در سه مقوله به شرح زیر طبقه‌بندی کرد:

الف - مقوله رفتاری: بدبینی از خوش‌بینی بهتر است. به عنوان نمونه براساس رهنمودهای حسابداری بدهی‌های احتمالی (زیانهای احتمالی) تحت شرایط خاص شناسایی می‌شوند در صورتی که این رهنمودها در خصوص دارایی‌های احتمالی (سودهای احتمالی) کاربرد ندارد.

ب- مقوله زمان: زودتر نشان دادن زیان‌ها و هزینه‌ها از دیرتر نشان دادن آنها بهتر است و دیرتر نشان دادن سودها و درآمدها از زودتر نشان دادن آنها بهتر است.

ج) مقوله ارزش: کمتر نشان دادن سودها و درآمدها از بیشتر نشان دادن آنها بهتر است و بیشتر نشان دادن زیانها و هزینه‌ها از کمتر نشان دادن آنها بهتر است.

تحقیقات تجربی اخیر در مورد محافظه‌کاری نشان می‌دهند که نه تنها رویه‌های حسابداری محافظه‌کارانه است، بلکه در کشورهای انگلیسی‌زبان طی 30 سال گذشته این رویه‌ها محافظه‌کارانه‌تر شده است. این نتایج شگفت

انگیز با مخالفت صریح بسیاری از قانونگذاران بازارهای سرمایه، تدوین کنندگان استاندارد و دانشگاهیان روبه رو شد؛ ولی بقای طولانی مدت محافظه کاری و دوام آوردن آشکار آن در برابر انتقاد، مقتدرانه نشان می دهد که منتقدان منافع بااهمیت آن را نادیده انگاشته اند. اگر قانونگذاران و تدوین کنندگان استاندارد منتقد، بدون درک منافع محافظه کاری در حذف آن تلاش کنند، استانداردهایی ایجاد خواهد شد که به طور جدی برای گزارشگری مالی زیان بار است.

پی نوشت:

*: استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامشهر

** : دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم تحقیقات ساوه

منابع و مآخذ:

1. آذر، عادل و مؤمنی، منصور (1383)، آمار و کاربرد آن در مدیریت، انتشارات سمت، چاپ دهم
2. آزاد، عبدالله (1388)، تعریف و مفهوم محافظه کاری در حسابداری، مجله حسابداری، ص 130 - 125
3. ادهم، علیرضا (1386)، نقش محافظه کاری حسابداری در کیفیت سود و بازده سهام، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات
4. بنی‌مهد، بهمن (1385)، تبیین و ارائه الگویی برای اندازه‌گیری محافظه کاری حسابداری، رساله دکتری، دانشگاه آزاد علوم تحقیقات
5. پورحیدری، امید و غفارلو، عباس (1390)، «بررسی ارتباط بین ساختارهای رقابتی محصولات و محافظه کاری مشروط حسابداری»، مجله پژوهش های حسابداری مالی، سال چهارم، شماره 2، تابستان، ص 62 - 41
6. تازی وردی، یداله (1383)، حسابداری مالی جلد اول (حسابداری میانه)، انتشارات عابدان ص 18

7. رضازاده، جواد و عبدالله، آزاد، (زمستان 1387) رابطه‌ی بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره 15، شماره 54: 80-63
8. شباهنگ، رضا (1387)، تئوری حسابداری، جلد اول، انتشارات مرکز تحقیقات تخصصی حسابداری و حسابرسی سازمان حسابرسی، چاپ ششم
9. شوروژی، محمد رضا و خاندوزی، برزگر (1388)، نبود تقارن اطلاعاتی و نقش اطلاعاتی محافظه کاری، ماهنامه حسابداری، سال بیست و چهارم
10. کردستانی، غلامرضا و مجدی ضیاء الدین، بررسی رابطه بین ویژگی‌های کیفی و هزینه سرمایه سهام عادی، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره‌ی چهاردهم، شماره‌ی 49، 1386
11. کمیته‌ی فنی سازمان حسابرسی، 1386، استانداردهای حسابداری، تهران: سازمان حسابرسی، نشریه 160
12. مجتهد زاده، ویدا، (1380)، محافظه کاری، مجله حسابداری، شماره صد و چهل و پنج، ص 24-22
13. محرومی رامین. (1388) رابطه ارزش اطلاعات مالی حسابداری محافظه کارانه و غیر محافظه کارانه. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شهید باهنر کرمان
14. مهرانی، ساسان، حلاج و حسنی، بررسی محافظه کاری در سود حسابداری و رابطه آن با ارقام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات حسابداری، شماره سوم، 1388

15. Ball, R, S.P, Kothari (2007); "Econometrics of the Basu asymmetric timeliness coefficient and accounting conservatism" ; *online*; <http://www.ssrn.com>
16. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timelines of earnings. *Journal of Accounting and Economics* 24: 3-37.
17. Basu, S. (2005). Discussion of "Conditional and unconditional conservatism: Concepts and modeling." *Review of Accounting Studies* 10: 311-321.

18. Beaver, W.H., and S.G. Ryan. 2000. Bias and lags in book value and their effects on the ability of the book-to-market ratio to predict book return on equity. *Journal of Accounting Research* 38 (1): 127-148.
19. Callen, J.L. Segal, d.e. Hope, a. (2009). The pricing of conservative accounting and the measurement of conservatism at the firm-year level. <http://www.ssrn.com>.
20. Darrrough, M.N. ,and N.M. Stoughton. (1990). Financial disclosure policy in an entry game. *Journal of Accounting and Economics* 12: 219-243.
21. Evans, J.H., and S.S. Sridhar. 2002. Disclosure-disciplining mechanisms: Capital markets, product markets, and shareholder litigation. *The Accounting Review* 77(3): 595-626.
22. Feltham, G.A., and Xie, J.Z. (1992). Voluntary financial disclosure in an entry game with continue of types. *Contemporary Accounting Research*, 9(1): 46-80.
23. Folsom, D.M (2009); "Competithve Structure and Conditional Accounting Conservatism"; A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the Doctor of Philosophy degree in Business Administration in the Graduate College of The University of Iowa"; online; <http://www.proquest.com>
24. Francis, J and et al (2004); "Cost of Capital and Earnings Attributes"; *Accounting Review* vol.79; PP 967-1010.
25. Givoly, D., and C.K. Hayn. (2000). The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative? *Journal of Accounting and Economics* 29: 287-320.
26. Guay, W., and R.E. Verrecchia. (2007). Conservative disclosure. Working paper, Wharton School of Business, University of Pennsylvania.
27. Hagerman Robert, L Zmijewski. Mark, (1979), Some Economic Determinants of Accounting Policy Choice, *Journal of Accounting and Economics*; 1:141-161
28. Raith, M.(2003). Competition, risk, and managerial incentives. *The American Economic Review* 93 (4): 1425-1436.
29. Watts, R.L. (2003)(a). Conservatism in accounting part I: Explanations and implications. *Accounting Horizons* 17 (3): 207-221.
30. Zimmerman J.L. (1983) Taxes and Firm Size. *Journal of Accounting and Economics*; 5: 119-149.

Study on The principle of conservatism And its role in the financial reporting

Dr. Hamid Reza Shamakhi¹⁰

Reza Zahedi¹¹

Abstract:

Accounting conservatism, is the quality attributes related to the content of financial information

The means used to estimate the degree of care in the exercise of judgment is ambiguous situations,

So that income or assets or liabilities of the lower cost and does not actually provide. In other words, conservative accounting approach to accounting can be used as a higher degree of verification for recognizing good news than bad news coefficient defined.

accounting conservatism, which is divided to Conditional and unconditional, as a result of improving the quality of financial reporting, recognizing acceptance important role in solving some problems and also reduce the likelihood of asymmetric acceptance exponentially more profit and pay dividends is cleaned.

In this paper an attempt has been made to the definition of accounting conservatism, and studing the most important indicators of the concept and its impact on financial reporting. Finally, the criticisms and shortcomings of this approach are described....

Keywords: financial reporting, accounting conservatism, conditional and unconditional conservatism

¹⁰ - Professor and Faculty Member of University of Saveh

¹¹ - Graduate Student, Science and Research University of Saveh

